

مثالث جمهوری اسلامی،

حزب الله لبنان و القاعده

لیلا جدیدی

جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۸

سلاحهای کشتار جمعی اسرائیل

روز ۶ ژوئیه، البرادعی، دبیرکل سازمان بین المللی انرژی اتمی، اسرائیل را به نبود کردن "سلاحهای کشتار جمعی" خود فرا خوانده بود. او به وجود ۲۰۰ کلاهک اتمی که قادر است با موشکهای بالستیک دور برد و یا هواپیماهای جنگی مدرن و در آینده نزدیک حتی با زیر دریایی حمل شود، اشاره کرد. اسرائیل همواره سیاست بی پاسخ گذاشتن وجود یا عدم وجود این سلاحها را دنبال کرده



است. این کشور هرگز قرارداد منع گسترش سلاحهای هسته ای را امضا نکرده و به این سبب است که نمی تواند از سوی آژانس مورد بازدید قرار گیرد.

شارون در واکنش به سفر البرادعی به کشورش گفت که نمی داند او برای چه می آید و افزود، اسرائیل برای دفاع از خودش حق دارد به هر اقدامی دست بزند.

ویژگی عینی تزویر در علت حمله به عراق آمریکا، در حمایت عربان این کشور از اسرائیل نمود روشنی می یابد. دولت بوش از یک سو به بهانه نابودی سلاحهای کشتار جمعی، در عراق جنگ براه می اندازد و از سوی دیگر، اینگونه از شارون و سیاستهایش به دفاع برمی خیزد. گذشته از این، آنچه که صدام به خاطرش بهای سختی داد یعنی به قول آمریکا، عدم

و پاکستان با القاعده بسیار بیشتر از عراق بوده است" تاثیر آبی این گزارش را در اولین واکنش آمریکا با دستگیری و بازداشت آقای ذالانوار، نفر دوم سفارت جمهوری اسلامی و راننده اش در عراق و سپس در سخنان دونالد رامسفلد در روز ۲۷ ژوئن در استانبول، محل اجلاس ناتو، می توان مشاهده کرد. وزیر دفاع آمریکا در این اجلاس رژیم جمهوری اسلامی را عامل تنش و بحران در افغانستان و عراق خوانده و می گوید: "آنان با حزب الله لبنان و سوریه برای گسترش تروریسم فعالیت می کنند." او همچنین می گوید: "این دولتی است که واقعیت را درباره پیشرفتهای هسته ایش نمی گوید و مدتی است که به رهبری ارشد القاعده پناه داده است."

پس از بیانیه مشترک اروپا و آمریکا خطاب به جمهوری اسلامی مبنی بر خواست پس گرفتن تصمیم رژیم در ادامه فعالیتهای هسته ای خود و نیز گزارش یاد شده، سببی که رژیم به بالا پرتاب کرده اکنون بر دامن آلوده به جنایاتش بازمی گردد. رژیم ولایت فقیه، از همه جا رانده و مانده، یا باید به سیاستهای بحران زای خود ادامه دهد و یا ناچار به عقب نشینی گردد. در هر دو صورت، به خاطر بی بهره گی از حمایت داخلی از جانب مردم ایران شکست خورده است و باید منتظر عواقب ناگواری باشد.

روزشنبه ۲۶ ژوئن، روزنامه واشنگتن پست طی مقاله ای که ضمن آن نتایج بدست آمده از کمیسیون تحقیق و بررسی فاجعه ۱۱ سپتامبر را اعلام می کرد نوشت: "در حالیکه هیچگونه مدارکی مبنی بر ارتباط عملی بین القاعده و عراق به دست نیامده، کمیسیون تحقیق و بررسی ۱۱ سپتامبر بدین نتیجه رسیده است که شبکه تروریستی بن لادن در ارتباط با ایران بوده است." همچنین، این کمیسیون امکان نقش القاعده در یاری رساندن به شبه نظامیان حزب الله در سال ۱۹۹۶ در بمب گذاری برجهای خبارکه منجر به کشته شدن ۱۹ آمریکایی شد را محتمل دانسته و ارتباط و همکاری جمهوری اسلامی با حزب الله لبنان را یاد آور شده است.

آنطور که به نظرمی رسد، به دلیل وجود اختلافات بین مسلمانان شیعه و سنی، ایالات متحده امکان همکاری القاعده و جمهوری اسلامی را به درستی ارزیابی نکرده است و بعدها به این واقعیت که این دو می توانند در مبارزه با دشمن مشترک با یکدیگر همکاری کنند، پی برده می شود. در این گزارش، کمیسیون مذکور بروجود پتانسیل بالا برای ارتباط حزب الله و القاعده تاکید نموده و ایران را از حامیان نخستین و مهم حزب الله خوانده است.

آقای تاماس کین، رییس بخش جمهوریخواه کمیسیون می گوید: "ارتباط ایران

پیروی از سازمان ملل، اکنون در مورد اسرائیل که با اقداماتش علیه مردم فلسطین مرتکب جنایت علیه بشریت می شود، به روشنی نادیده گرفته می شود. با وجود قتل هزاران فلسطینی و کشتادن مردم فلسطین به گرسنگی و آوارگی تا حد مرگ و در اختیار داشتن سلاح کشتار جمعی، دولت بوش در حمایت از اسرائیل از توسل به هیچ اقدامی در خاورمیانه خودداری نمی کند، زیرا اسرائیل مهمترین متحد آمریکا در خاورمیانه است.

رویکرد اتحادیه اروپایی

رای دادگاه بین المللی لاهه در فاقد مشروعیت دانستن دیوار نژاد پرستانه حائل در سرزمینهای اشغالی فلسطین، از جانب اتحادیه عرب و اروپایی و محافل داخلی فلسطینی مورد استقبال قرار گرفت. خبرگزاری رویتر در این باره گزارش داد، کمیسراتحادیه اروپایی گفته

است: "به نظرمی رسد دادگاه بین المللی لاهه، دیدگاه اتحادیه را در غیر قانونی خواندن دیوار حائل که اسرائیل در حال ساخت آن در کرانه باختری رود اردن است، تایید کرده و از اسرائیل می خواهد که این دیوار را از سرزمینهای اشغالی برچیند."

واضح است که پیرامون مسایل فلسطین، اروپاییها بیش از آن که برای حل مشکل به اقدامی جدی روی آورند، حرف میان تهی می زنند و حاضر نیستند در برابر آمریکا به طور جدی از حقوق مردم فلسطین حمایت کنند. سمت گیری آنان به سوی فلسطینیها، از چارچوب یک نمایش کهنه بیرون نمی رود.

انتقال حاکمیت به مردم

عراق یا تولد یک نوزاد

نامشروع دیگر

بقیه از صفحه ۹

ورود دیگر تشکلهای اجتماعی جلوگیری کند. به همین دلیل به نظر می آید که عمدی در کار است تا محل گفتگوها و شکل آنها و تصمیمهای گرفته شده از کانالهای غیر واقعی اعلام شود و عدم حضور دیگران توجیه پذیر جلوه کند. باید با وارد یک کارزار بزرگ بین المللی، خواهان علنی شدن این گونه جلسات و تبدیل آنها به مراکزی علنی و همراه با ورود نمایندگان مردم به عنوان یک پای تصمیم گیری، نه ناظر جلسات، گردید و در این مقطع تاریخی در تحولات شرکتهای گسترده و عملی داشت. تدوین نظریه و تئوری ای فراگیر برای این جنبش آلترناتیو و دستور کار برای آن، تنها شکل محتمل در پیش روست. هر چند جنبشها و خیزشهای منطقه ای و در سطح ملی برای آزادی و دموکراسی می تواند شکلی از مبارزه در این راستا باشد ولی، درگیر عمل منطقه ای و در چهارچوب ملی بودن، توجیهی مناسب برای بی توجهی به این حرکت بزرگ و بین المللی نمی تواند باشد و چه بسا از این قدرت و توان، بتوان بهره ای بزرگ برای حمایت از جنبش ملی یک کشور گرفت.

به هر حال به نظر می رسد که در دست به دست شدن قدرت در عراق با روی کار آمدن ایاد علاوی، اعتراض چندانی از جانب مخالفان سیاستهای آمریکا در عراق ابراز نشده است و مخالفان همچنان سیاست سکوت را پیشه کرده اند و اگر هم گوشه کنار اعتراضی شنیده می شود، چندان قابل اعتنا نیست. به همین دلیل پرسش این است، آیا توافقاتی پشت پرده انجام شده است؟ اگر آری، کجا و چگونه؟ جلسه سران ناتو بسیار کوتاه و بیشتر به پایان یک مارتن شبیه است، تا محل تصمیم گیری. این نهاد تصمیم گیری کجاست که تصمیمش در مرکزی نظامی بروز می کند؟ آیا چنین نهادی از نظر مردم جهان مشروعیتی دارد؟ پاسخ من، منفی است.